

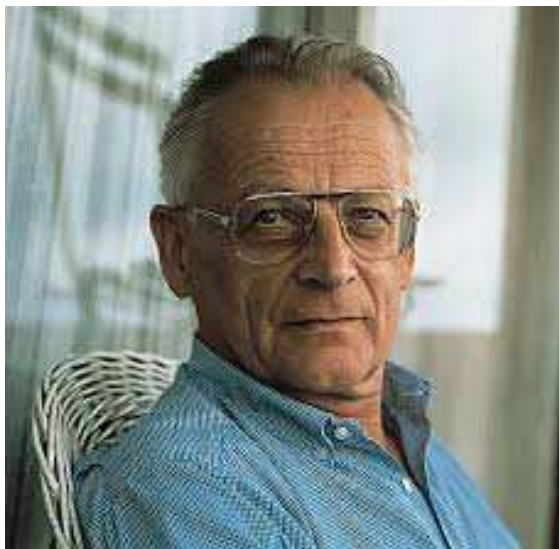
عنوان مقاله: آلن تورن، جامعه شناس نوما رکسیستی: جامعه برنامه ریزی شده و جنبش های اجتماعی

نویسنده: حبیب احمدی

منبع: دانشکده ادبیات و علوم انسانی (باهر کرمان)

دوره جدید بهار ۱۳۷۶ شماره ۱

صص ۱-۱۰



خلاصه



آلن تورن

• آلن تورن یکی از چهره های مشهور فراسنوی در جامعه شناسی نومارکسیستی اخیر است که تعدادی از کتاب ها و مقالاتش به انگلیسی ترجمه شده است. یکی از مقالات بحث برانگیز او به نام «آیا جامعه شناسی هنوز به مطالعه جامعه می پردازد» می باشد که در سال ۱۹۸۹ منتشر شده است. او در جامعه برنامه ریزی شده یا فراصنعتی تخصص اجتماعی جدیدی یافته که در آن فن سالاری و مدیریت در تخصص یا گروه های وسیعی از جامعه مانند کارگران قرار گرفته اند. عقاید تورن از بعضی جهات با نومارکسیست های دیگر نظیر سی رایت میلز و دارندورف تفاوت دارد.



رالف دارندورف

- او با این نظریه‌ی رایج می‌لز که قدرت در دست گروه کوچکی از نخبگان است موافق نبوده و معتقد است که دولت بخش‌های بزرگ اقتصادی را اداره می‌کند و نمی‌تواند به عنوان ابزار سلطه نخبگان مورد مطالعه و تحلیل قرار گیرد. همچنین برخلاف دارندورف تغییرات اجتماعی را بر اساس طبقه و اقتدار تحلیل نمی‌کند.

- یکی از پیش فرض های اساسی تورن این است که جامعه شناسی و جامعه تغییر یافته و مفاهیمی چون نظم، اجماع و وحدت اجتماعی، دیگر برای جامعه شناسی مهم نیستند. آنچه برای جامعه شناسی مهم است، تغییرات اجتماعی، ماهیت قدرت و جنبش های اجتماعی نوین از قبیل جنبش های دانشجویان و اعتراضات ضد هسته ای می باشد.

نظم، اجماع و وحدت اجتماعی

مقدمه:

- با پایان گرفتن جنگ جهانی دوم، به علت پیدایش بحران در مارکسیسم، پایان نظریه پردازی های کلان جامعه شناسی پس از پارسونز و افول و فروپاشی ساخت گرایی، نظریه های جامعه شناسی از مکاتیب کلاسیک مانند مارکسیسم، کارکردگرایی و ساخت گرایی به طرف نومارکسیسم، فراساختگرایی و فرانوگرایی روی گرداند.

پایان نظریه پردازی های کلان جامعه
شناسی پس از پارسونز

• از دیدگاه جامعه شناسان کلاسیک اعم از متفکران لیبرال و رادیکال، ریشه های تضاد و تخاصم در کشمکش بین سرمایه و کار مشاهده شده است. اما تورن طرحی نو از تضاد و تخاصم اجتماعی ترسیم کرد. وی در جامعه فراصنعتی تضاد و تخاصم اجتماعی جدیدی یافته که در آن فن سالاری و مدیریت در برابر گروه های بزرگ مانند کارگران، کارکنان فنی، مصرف کنندگان و دانش آموزان صف کشیده اند.



سی رایت میلز

• پیش فرض های تورن در تبیین نهادهای اجتماعی از بسیاری جهات با نومارکسیست های دیگر از قبیل سی رایت میلز و دارندورف متمایز است. مثلا او با «نخبگان قدرت» میلز در توضیح جامعه سرمایه داری موافق نیست. به اعتقاد تورن در جامعه فراصنعتی مفاهیمی چون تصمیم گیری، استراتژی و تغییر برای جامعه شناسی معاصر اهمیت بیشتری یافته اند. این بدین معنا است که کنش گر اجتماعی یا عامل اجتماعی مهم تر از تصور سنتی نظم است. وی برای توضیح جامعه فرا صنعتی بر فرایندهای تغییرات اجتماعی، ماهیت قدرت و شکل گیری جنبش های اجتماعی متمرکز می شود. این مفاهیم در این مقاله ارزیابی خواهد شد.

مطالعه جامعه

- به عقیده تورن، جامعه، نظامی از کنش و روابط اجتماعی است. این عقیده، دیدگاهی جدید در جامعه شناسی کنش را در برابر دیگر انواع نظریه های جامعه شناسانی که برای کنش اجتماعی متمرکز شده اند، قرار می دهد. مثلا در سنت ساخت- کارکردی پارسونز، انسجام جامعه متکی است بر این که چگونه گروه هایی اجتماعی متنوع به طور ساختاری به هم ارتباط دارند. در اثر پارسونز مجموعه ای از کنش های اجتماعی وجود دارد، کنش ها معنای متفاوتی می گیرند و ارزش ویژه ای کسب می کنند.

گروه هایی اجتماعی متنوع

- همچنان که هر کنشی جایگاهی کارکردی در ارتباط با دیگر کنش ها به دست می آورد. ساخت اجتماعی کارکردهای مختلف را خلق می کند. اما معنای اصطلاح «ساخت» برای تورن بسیار متفاوت از معنای آن در نظر پارسونز است. در دیدگاه تورن، جوامع انسانی خلاق بوده و قادر به تولید و تغییر الگوهای کارکردیشان در جهت آفرینش دانش جدید می باشند.

تولید و تغییر الگوهای کارکردیشان



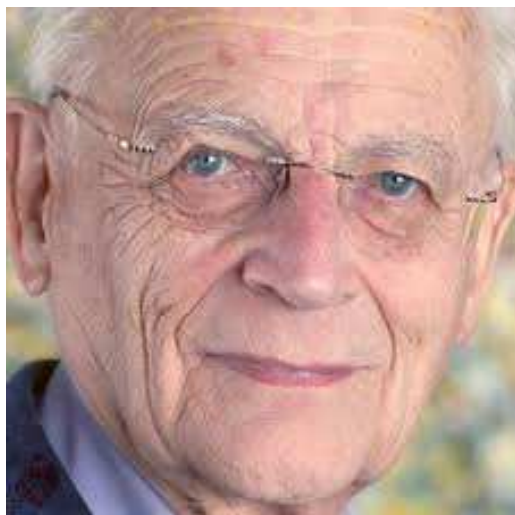
آلن تورن

• به عقیده تورن «یک جامعه به وسیله دو جریان مخالف شکل می گیرد: یکی از این جریان ها، واقعیت های تاریخی را ایجاد نموده، سازمان داده، و در نظم و قدرت استحاله می نماید. جریان های دیگر این نظم را، با کشف مجدد تضادها و انتخاب استراتژی های جدید از طریق نوآوری های فرهنگی و جنبش های اجتماعی فرو می ریزند (Touraine, 1981, p 31)

کشف مجدد تضادها و انتخاب
استراتژی های جدید

- بنابراین تورن این پیش فرض کارکردگرایان را که جامعه می تواند به نظامی از ارزش ها تقلیل یافته و این نظام های ارزشی قارد است زمینه را برای کنش های تاریخی ایجاد نماید، رد می کند. او همچنین با این پیش فرض که جامعه چیزی جز کنش متقابل بین انسان ها نیست، نیز مخالف است. او می گوید: «مردان و زنان موضوع قوانین تاریخی و ضرورت مادی نیستند. زیرا که آنها از طریق آفرینش های فرهنگی و کشمکش های اجتماعی شان تاریخ خود را می سازند (Touraine , 1983, p5)

کنش های تاریخی



آلن تورن

• به علاوه از دیدگاه تورن، نمی توان گفت که افراد در موقعیتی مشخص حرکتی مشخص ایجاد می کنند. زیرا کنش های اجتماعی انسان ها به طور استمرار در حال خلق مجموعه ای از هنجارها است که جدا از یک موقعیت زمانی و مکانی بی معنی است. به عنوان مثال، ساختار خانواده، به عنوان یک نهاد اجتماعی عبارت است از آن چه خانواده در حال انجام دادن آن بوده و چگونگی کنش و واکنش با سایر گروه ها در یک لحظه معینی از تاریخش می باشد. بنابراین ساخت نتیجه فعالیت انسان است و مردم در یک ساخت اجتماعی ایستا و از قبل ساخته شده، کنش نمی کنند، ساخت جامعه، ساختار چگونگی حرکت یک گروه است و **گروه تنها با خاصیت حرکتش هویت پیدا می کند.**

- در خصوص موضوع جامعه شناسی، تورن معتقد است که موضوع جامعه شناسی از این زمان به بعد مطالعه جامعه نیست. این بدین علت است که تغییرات عمده ای در جوامع صنعتی یا فراصنعتی رخ داد است. این تغییرات عبارتند از: تغییرات سریع اقتصادی، تداخل و نفوذ تغییرات اجتماعی در زندگی روزمره مردم و بین المللی شدن واقعی های اقتصادی و اجتماعی. این تغییرات موجب تغییر در تصور

**تداخل و نفوذ تغییرات اجتماعی در
زندگی روزمره مردم**

جنبش های اجتماعی



کلاوس اوفه

- آلن تورن مانند بسیاری از نظریه پردازان مکتب فرانکفورت از قبیل اوفه و هابرماس، جنبش های اجتماعی را به عنوان نیروهای اجتماعی رویارویی با نهادهای دولت دیوان سالار، اتحادیه های تجاری و اجزاب سیاسی تحلیل می کند. امروزه جنبش های اجتماعی در تلاشند که ارتباطات فرهنگی، نژادی، جنسی و امثال این ها را جایگزین روابط تکنیکی، عقلایی، خشنونت آمیز، استثمار و کالایی کنند.

- تورن هر ارتباط با ظهور جنبش ها اجتماعي جديد و اشكال مختلف فعاليت هايي كه به وسيله اين جنبش ها شكل گرفته اند، اطلاعات ارزشمندی ارائه داده است. از نظر وی جنبش های اجتماعي جزیی از نظام کنش تاریخی هستند كه در آن واقع شده اند. به اعتقاد او پیوندی مستقیم بین كشمکش های طبقاتی و اشكال تغییرات اجتماعي وجود دارد.

نظام کنش
تاریخی

• تورن می گوید که تصور جامعه شناسی کلاسیم از جامعه از جنبش های ملی جدا نشدنی بوده و تصور آگاهی جمعی مافوق تمام آگاهی های متعلق به یک دولت ملی بود. امروزه، هویت افراد به طور فزاینده ای بیش از تعلقشان به یک دولت، به وسیله ارتباطات رقابتی همکاری و تخصص که در درون آنها گرفتارند تعیین می شوند. این عوامل در تعیین هویت افراد بیش از عضویت آنها در جمعیت هایی که می توانسته است بر اساس ارزش های حاکم بر جمعیت ها به آنها هویت بدهد، موثر بوده است. نوع دیگر از تغییرات اجتماعی به بررسی تفاوت بین زندگی خصوصی و عمومی مردم می تواند مشاهده شود.

دولت ملی



• این نوع تغییرات اجتماعی به ماهیت طبقات، تعلیم و تربیت و سیاست در جوامع مدرن وابسته اند. به اعتقاد تورن، تغییرات اجتماعی حاصل کنش گروه های خاص اجتماعی که به وضوح محدود شده باشند. نظیر **کارگری مزد بگیر** در یک کارخانه نیست، زیرا امروزه ما به جای گروه های خاص مردم یک ملت یا عموم مردمی داریم که مثلا تلویزیون تماشا کرده یا خدمات پزشکی و بهداشتی دریافت می کنند.

کنش گروه های خاص اجتماعی

• بر این اساس، به نظر تورن، جامعه‌شناسی و جامعه‌تغییر یافته‌اند و بنابراین مفاهیمی از قبیل نظم، اجماع، وحدت اجتماعی دیگر برای جامعه‌شناسی مهم نیستند، آنچه برای جامعه‌شناسی مهم است، تغییرات اجتماعی که برای دستیابی به تساوی حقوق زن و مرد انجام می‌شود، می‌باشد. هر چند آلن تورن به عنوان یکی از نظریه‌پردازانی که به مطالعه جنبش‌های اجتماعی پرداخته است، شناخته شده است. بدیهی است که مطالعه تغییرات در طبیعت و زندگی اجتماعی موضوع جدیدی بوده و تاریخی بس طولانی دارد.

**مفاهیمی از قبیل نظم، اجماع، وحدت اجتماعی دیگر
برای جامعه‌شناسی مهم نیستند**



- هراکلیتوس فیلسوف یونانی می گوید: «**یک نفر نمی تواند دو بار در یک رودخانه وارد شود**» این بدین معنی است که هر چیزی در حال تغییر است. همچنین مولوی، حکیم، فیلسوف و شاعر ایرانی می گوید: «آب این رودخانه بارها تغییر کرد ولی تصویر ماه و ستاره بر آب هنوز بر جای مانده است» همچنین علاقه به مطالعه تغییرات اجتماعی در میان بعضی از جامعه شناسان معاصر مانند سی رایت میلز و دارندورف، که به عنوان نظریه پردازان مکتب تضاد شناخته شده اند، مشاهده می شود اما دیدگاه تورن، درباره تغییرات اجتماعی و جنبش های اجتماعی همانطوری که ذکر شد. با سایر صاحب نظران مکتب تضاد تفاوت دارد.

ویژگی های جامعه برنامه ریزی شده

- تورن اظهار می دارد که یک نوع جدید از جوامع اکنون در حال شکل گیری است. این جوامع جدید را بر حسب ماهیت های تولیدی که دارند و سازمان اقتصادی شان، می توان جوامع برنامه ریزی شده یا فراصنعتی نامید، زیرا از جوامع صنعتی که بیش از آنها وجود داشته اند، متفاوت هستند. این جوامع به خاطر شیوه های نظارتی تولید، توزیع اطلاعات و شبکه تصمیمات اقتصادی و سیاسی با جوامع قرن نوزدهم تفاوت دارند. چنین عواملی الگوهای سنتی زندگی اجتماعی را واژگون کرده اند، زیرا همه ابعاد زندگی اجتماعی مانند تعلیم و تربیت، مصرف و اطلاعات بیشتر و بیشتر در آنچه را که عوامل تولید نامیده می شوند یافته اند.

جوامع برنامه ریزی شده یا فراصنعتی

استاندارد های سنتی

- به اعتقاد تورن، در جوامع برنامه ریزی شده، بیشتر سرمایه گذاری ها بر حسب استاندارد های سنتی نیازهای بشر هدایت و کنترل نشده اند، بلکه بر پایه توسعه و افزایش سرمایه و افزایش قدرت عمل می کنند و در نتیجه در چنین جوامعی، اهمیت نسبی سطوح آگاهی بالا به لحاظ تعلق به طبقه کارگر، ارزش و اهمیت ارتباطات اجتماعی، همسایگی و مفهوم شهروندان خوب محو شده اند. بر اساس نظریه تورن نوع جامعه ای که ما اکنون در آن زندگی می کنیم بیشتر تحت تاثیر رشد اقتصادی است تا عوامل دیگر. سیمای فردی شده زندگی خصوصی و شیوه های زیستی مردم توسط تحرک اجتماعی و جغرافیایی فزاینده، اشاعه بسیار زیاد اطلاعات و تبلیغات و مشارکت سیاسی گسترده تر بیش از پیش، به غایت متاثر شده و حتی تخریب شده است.

- بنابراین در جوامع برنامه ریزی شده، مفهوم ماهیت بشر و میراث فرهنگی‌اش توسط نظامی از تولید که در آن هر کسی پایگاه اجتماعی خاص خودش را داشته و مجموعه نقش‌هایش درون اجتماع سلسله‌مراتبی و تنظیم شده قرار دارد، معنی پیدا می‌کند.
- در جوامع فراصنعتی نقش خانواده در جامعه پذیری و تعلیم و تربیت فرزندان به شدت کاهش یافته است. حتی مدرسه به عنوان سازمان آموزشی خودمختار ملاحظه شده است.

درون اجتماع سلسله‌مراتبی و تنظیم شده



- در چنین جوامعی مشکلات اساسی در ارتباط با نقش اجتماعی دانش در نهادهای آموزشی وجود دارد. سیاست، راهش را به درون دانشگاه ها باز کرده است، زیرا دانش یک عامل تولید است. دانشگاه ها هم فرایندهای تولید و هم شورش های اجتماعی را دنبال می کنند، زیرا فشارهای اجتماعی و قدرت کنترل دولت در دانشگاه ها کمتر از هر جای دیگر وجود دارد.

دانشگاه ها هم فرایندهای تولید و هم شورش های اجتماعی را دنبال می کنند



رشد فردگرایی

• نهاد آموزش و پرورش در ارتباط با پرورش دانش آموزان در جهت وحدت ملی، عمل می کرد، در حالی که امروزه مدارس به عنوان عامل وحدت دهنده جامعه، مطرح نیست و فرصت های آموزشی برای همه اعضای جامعه فراهم نموده و نابرابری های اجتماعی را اعمال می کند. نقش مدارس، **رشد فردگرایی** با اتکا به زندگی خصوصی است.

• در ارتباط با سیاست، تورن معتقد است که امروزه نظم سیاسی از نظم اجتماعی و جنبش های اجتماعی از نیروهای سیاسی جدا شده است. تاریخ اخیر بسیاری از کشورهای برنامه ریزی شده نشان می دهد که قدرت زاییده از انقلابات فقط سازنده نیست بلکه مخرب همان نهضت های اجتماعی است که باعث انثلاف شده اند. اکنون تصور نظم شاهنشاهی تغییر کرده و می رود تا پادشاه را به طور کلی انکار کند و در مقاب آن دموکراسی تمایل به احترام به اقلیت ها و احترام به حقوق فردی همه اقشار مردم را دارد که به اعتقاد تورن نتیجه حاصل از این شرایط سیاسی، گسترش فردیت در زندگی خصوصی است.

**احترام به اقلیت ها و احترام به
حقوق فردی**

- در ارتباط با پیچیدگی مشکلات در جوامع برنامه ریزی شده، تورن معتقد است که: در جوامع برنامه ریزی شده، اتحادیه کارگری بازیگران اصلی در کشمکش بر سر قدرت اجتماعی نیستند. نقش آنها در ارتباط با مشکلات و مسائل سازمان تولید هنوز مهم است. اما آنها بیشتر نقش واسطه ای بین کارگران و کارفرمایان را دارند.



آلن تورن

• بحث ها و کشمکش های آنها بیشتر به تصمیم گیری ها ارتباط دارد تا توزیع قدرت. بنابراین، این بحث ها و کشمکش ها در آمریکا و اروپا و یا در بلوک شوروی بر توزیع واقعی قدرت اجتماعی تاثیر ندارد (Touraine, 1971, pp 17-18) بنابراین احتمال کمی وجود دارد که جنبش های اتحادیه های کارگری بتواند به احزاب کمونیست و دموکرات های اجتماعی رادیکال برای حل مشکلات اقتصادی اجتماعی جامعه از قبیل میزان بالای بیکاری، رشد نظامی گیر و نقض حقوق بشر کمک کند.

ارزیابی انتقادی:

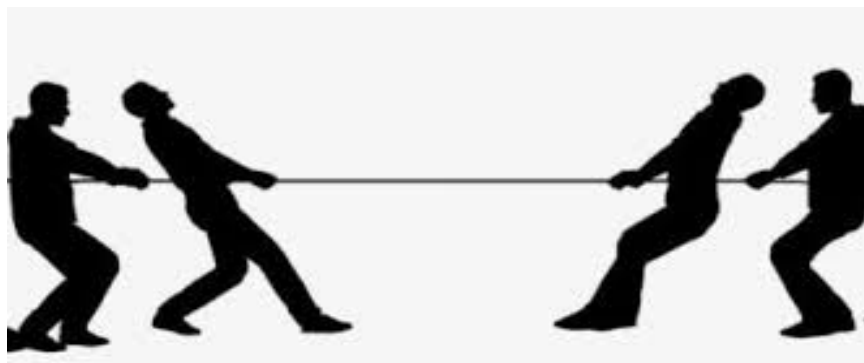
- به طور کلی نظریه کارکردگرایی و تضاد، به عنوان دو رویکرد عمده در تاریخ جامعه شناسی شناخته شده است. در حالی که رویکرد کارکردگرایی بر ثبات، اجتماع، یگانگی، تعادل، نظم و هماهنگی در جامعه یا نظام اجتماعی تاکید کرده و می کوشد تا پدیده های اجتماعی را بر اساس این مفاهیم ، تبیین نماید. رویکرد تضاد متوجه تضاد، عدم وحدت، عدم تعادل، کشمکش و تغییر برای فهم واقعیت های اجتماعی است. **گرچه این واضح است که تورن به رویکرد تضاد متعلق است ولی این برای شرح جهت گیری وی کافی نیست.**

نظریه کارکردگرایی و تضاد



تام باتامور

• در جامعه شناسی معاصر، رویکرد تضاد، متفکران بسیاری را در بر گرفته که با پیش فرض ها و جهت گیری های نسبتا متفاوت شناخته شده اند. آبراهام، آلن تورن، باتومور، استوجانویک و هابرماس را به عنوان چهره های معروف اروپایی مکتب فرانکفورت یا نظریه انتقادی معرفی نموده است. آنها اقتدارگرایی، فرهنگ توده ای و جنبش های اجتماعی مختلف را به عنوان مفاهیم و ابعاد انسانی مکتب انتقادی و نومارکسیستی مرد بحث قرار داده اند.



نقش رهبری کننده

- **مکتب تضاد** را می توان به **دو رویکرد اصلی** تقسیم نمود: یکی از این دو رویکرد، اصول، مقدم اولیه را برای تصمیم گیری ها، استراتژی ها، سازمان تغییر و جنبش های اجتماعی فراهم نموده و بر روی حکمرانی نخبگان و گروه هایی که در تغییرات اجتماعی نقش رهبری کننده را بازی می کنند. تکیه نماید.



رالف دارندورف

• **رویکرد دوم** بر شکل گیری کنشگران اجتماعی و توانایی آنها در مذاکرات و جدال با صاحبان قدرت متمرکز شده است. نظریه تورن بیشتر جزء رویکرد اول محسوب می شود. هرچند که تورن از جامعه شناسان تضادگرا است. دیدگاه او با نظریه پردازان مکتب تضاد مانند مارکس، دارندورف و سی رایت میلز متفاوت است. در نظر مارکس تاریخ چیزی جز کشمکش طبقاتی بین مالکان ابزار تولید و صاحبان نیروی کار نیست. گرچه دارندورف معیار تعلق به طبقه را اقتدار می داند او نیز تغییرات اجتماعی را بر اساس مفهوم طبقه، تبیین نموده است.

مفهوم طبقه

• از نظر سی رایت میلز، قدرت در دست گروه کوچکی از نخبگان است که در سلسله مراتب سیاسی، صنفی و نظامی از جایگاه بالای برخوردار بوده و تمام تصمیمات عمده توسط این نخبگان، که منافعشان به هم گره خورده است، گرفته می شود (Aronowitz, 1988) تورن با این نظریه سی رایت میلز موافق نبوده و معتقد است که دولت بخش های بزرگ اقتصادی را اندازه می کند و نمی تواند منحصر به عنوان ابزار سلطه نخبگان مورد مطالعه و تحلیل قرار گیرد. در مقابل مارکس و دارندورف، تورن در تحلیل های خود تنها به اصطلاحات مالکیت یا اقتدار بسنده نمی کند.

ابزار سلطه نخبگان؟



توماس هابز

• تورن بر مفهوم تغییرات اجتماعی بسیار تاکید نموده است. در حالی که ثبات و تغییر، دو چهره یک پدیده اند و نی توان به آسانی آنها را از هم جدا کرد. فرایند نوسازی، نمی تواند بدون تغییر برخی از نهادهای اجتماعی دنبال شود. از سوی دیگر به نظر می رسد که تمام جنبش های اجتماعی، حتی آنهایی که در جوامع غربی رخ می دهد، رسیدن به یک وضعیت متعادل را هدف قرار داده اند. در غیر این صورت، زندگی اجتماعی وضعیتی خواهد داشت که **هابز** آن را «**جنگ همه علیه همه**» نامیده است. بنابراین جامعه شناسی باید تغییر و ثبات، تضاد و اجتماع، تجدد و حفظ ویژگی های فرهنگی را ب هم مورد ملاحظه و مطالعه قرار دهد، زیرا همه این ها از یک واقعیت واحد بوده و به هم ارتباط دارند.

- به اعتقاد تورن در مطالعه جنبش های اجتماعی، بحث تاریخی درباره جنبش های کارگری که در زمان گذشته شکل گرفته، موضوع اصلی نیست بلکه ظهور جنبش های اجتماعی جدید در جامعه برنامه ریزی شده که به طور عقلانی و تکنیکی طراحی شده اند اهمیت داشته و قابل بررسی است. تورن یک الگوی «نوع ارمانی» جامعه برنامه ریزی شده از گذار از جنبش های اجتماعی کهن از طریق حذف الگوهای فرهنگی جامعه سنتی به سمت زایش جنبش های اجتماعی نوین را طراحی می کند.



• بر اساس نظریه تورن تغییرات و جنبش های اجتماعی، جامعه غربی را به سمت **فردیت** کشانیده و مفاهیمی چون شهروند خوب و تعلق به یک گروه اجتماعی، دیگر مهم نیستند. از طرف دیگر او ادعا می کند که جامعه شناسی، باید کل گرا باشد(هر چند این ادعا می تواند قابل قبول باشد) اما چگونه می توان اینها را کنار هم گذاشت؟ آیا این موجه است که بگوییم **زیربنای تعلیم و تربیت** در جوامعی مانند چین، پاکستان و ایران یک فرهنگ آزاد یا ایدئولوژی آزاد است؟





آلن تورن

• به عبارت دیگر آیا تعریف تعلیم و تربیت در جوامع شرقی مشابه نیستند؟ آیا می توان در تبیین جامعه پیش فرض را که «جنبش های اجتماعی پدیده های عام و جامعی هستند که قادرند تمام جنبه های زندگی اجتماعی را در سراسر جهان تحت پوشش قرار دهد» را نادیده گرفت؟ عقاید تورن عمدتاً زیر بنای اروپایی داشته و جامعه غربی را از بیرون مورد تحلیل قرار داده است. **علاقه وی به رد مفهوم جامعه و تاکید زیاد او بر مفهوم جنبش های اجتماعی مساله ای قابل تعمق است.**